

واکاوی سروده‌های میرزاده عشقی براساس کنشهای گفتاری جی. آر. سرل

اسماعیل آذر^۱ (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

کطیور زیرک‌ساز^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

چکیده

نظریه کنش گفتاری یکی از رویکردهای تحلیلی متن محسوب می‌شود که با تکیه بر آن قادر خواهیم بود؛ واحدهای کوچک زبان (فعل) را تحلیل کنیم. نظریه پنج‌گانه سرل، رویکرد شاخص نظریه فلسفه زبانی کنش گفتاری است که براساس آن می‌توان بسیاری از متنهای ادبی و حتی سخنرانیهای رسمی را تجزیه و تحلیل کرد و چرایی استفاده نویسنده را از برخی کنشهای گفتاری مشخص نمود. کنشهای اظهاری، عاطفی، ترغیبی، اعلانی و تعهدی کنشهای پنج‌گانه سرل محسوب می‌شوند که نگارندگان با تکیه بر این کنشها شعر میرزاده عشقی را با رویکردی توصیفی و تحلیلی بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میرزاده عشقی، شاعری واقع‌گرا بوده‌است و اغلب به توصیف واقعیت‌های

1. E-mail: DrAzar.ir@gmail.com

2. E-mail: kativarziraksaz@gmail.com

سیاسی و اجتماعی و گاه توصیف طبیعت پرداخته رویکردی که با کنشهای اظهاری تبیین می‌گردد. افزون بر این، شخصیت پرشور، عاطفی و احساسی میرزاده نیز در تمایل وی به بهره‌گیری از کنشهای عاطفی تأثیرگذار بوده است. دعوت به خیزش و انقلاب و امید به پیروزی نیز با کنشهای ترغیبی صورت گرفته است. کنشهای تعهدی و اعلامی در سروده‌های وی بسامد قابل توجهی ندارند.

کلیدواژه‌ها: کنشهای گفتاری، شعر معاصر، سرل، میرزاده عشقی.

۱. مقدمه

نظریه کنش گفتاری یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که در چارچوب فلسفه زبان جای می‌گیرد و کارکرد آن مطالعه زوایای کلی و عمومی زبان است. این رویکرد، جایگاه تأمل برانگیزی در علوم اجتماعی و فلسفه دارد؛ زیرا کنش گفتاری نقش بسزایی در بیان واقعیت‌های اجتماعی و شکل‌گیری توافق نظری و عملی درباره امور جهان ایفا کرده است، نتایجی که از کنش گفتاری به دست می‌آید، شاهی بر این مدعاست؛ به انجام رساندن کار، رقم زدن هویت، بیان درک از جهان پیرامون — خواه این درک درست باشد و خواه نادرست — و تعیین بخشیدن به روابط اجتماعی از جمله نتایجی است که از این نظریه مستفاد می‌شود. در نظریه کنش گفتاری بر نقش و کارکرد افعال تأکید می‌گردد. «بخش قابل توجهی از سخنان و نوشته‌های ما شبیه اعمال ما هستند. این گونه از گفتارها یا نوشتارها دربرگیرنده فعلهایی هستند که به آنها فعلهای کنشی می‌گویند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۷). از این رو، نوشتار، گفتار، کلام و اندیشه ما انسانها نیز کنش هستند و فعل محسوب می‌شوند. «آستین^۱» و «سرل^۲» دو تن از کسانی هستند که در شکل‌گیری نظریه کنشهای گفتاری نقش اساسی داشتند. مطالعات این دو نفر باعث شد رویکرد جدیدی در علم زبان‌شناسی پدید آید، «آستین» ابتدا بر نقش فعل تأکید داشت و سپس «سرل» در راستای اصلاح نظریه استاد خویش، آستین، تقسیم‌بندی پنج‌گانه‌ای برای کنشهای

1 Austin

2. Searle

گفتاری عرضه کرد که عبارت بودند از: کنش اعلامی، کنش عاطفی، کنش تعهدی، کنش ترغیبی و کنش اظهاری. این نظریه افزون بر اینکه در مطالعات اجتماعی، فرهنگی و فلسفی کاربرد فراوانی دارد، از مبانی ارتباطات کلام در متنهای ادبی نیز محسوب می شود؛ چرا که رد و بدل شدن اطلاعات و برقراری پیوندهای کلامی به وسیله کلام و سخن صورت می گیرد و چنانکه اشاره شد، نوشتار، کلام و افکار و اندیشه‌ها نیز جزء کنش محسوب می شوند، از این رو دقت و توجه در کنشهای گفتاری ادیبان به مثابه یکی از طبقات اجتماعی، می تواند جنبه‌های فراوانی از جمله؛ جنبه روحی، روانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در آثار ایشان تجزیه و تحلیل کند.

ایران با خیزش مشروطه‌خواهی و در دوران پسامشروطه، وارد دوره نوینی از حیات اجتماعی و سیاسی گردید. در این برهه ادبیات رسالتی شگرف داشت و محملی برای بیان رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شد و شاعران و نویسندگان هر کدام بر حسب توانایی و ذوق ادبی خویش به بازتاب این دگرگونیها پرداختند. «میرزاده عشقی» یکی از شاعران پر جوش و خروش آن روزگار است که سروده‌ها و نوشته‌هایش آینه تمام نمای تحولات عصر خویش بوده است. بررسی و تحلیل متن‌شناسی شعر وی، براساس نظریه کنشهای گفتاری سرل می تواند، درک بهتری از سروده‌های میرزاده در دوران پرآشوب مشروطه و پسامشروطه ارائه دهد. بنابراین، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با رویکردی توصیفی - تحلیلی و براساس نظریه کنشهای گفتاری جی. آر. سرل به بررسی اشعار میرزاده عشقی بپردازد.

۲. پیشینه پژوهش

مقالات متعددی کنشهای گفتاری را در متنهای مختلفی بررسی کرده، اما هیچکدام از آنها به بررسی اشعار میرزاده عشقی نپرداخته‌اند. برخی از این پژوهشها عبارتند از: - عبدالهیان و باقری (۱۳۹۶) در نوشتاری با نام «کنشهای گفتاری پنج‌گانه در شعر صدای پای آب» سپهری «شعر «صدای پای آب» سهراب سپهری را براساس الگوی اصلاح شده کنشهای گفتاری پنج‌گانه جی. آر. سرل، بررسی کرده‌اند و بر این باور هستند؛ سپهری کنشهای اظهاری و عاطفی را در همه بندهای شعر، و کنش ترغیبی را در بیش از نیمی از بندها انجام داده، اما کنش تعهدی و اعلامی را در هیچ کدام از بندها به کار نبرده است.

- خاک پور و عقدایی (۱۳۹۷) در نوشتاری تحت عنوان «تحلیل متن شناختی سوره لقمان براساس نظریه کنش گفتار سرل» به این نتیجه رسیده‌اند که از مجموع ۱۰۷ کنش به کار رفته در این سوره، کنش ترغیبی با ۶۱ مورد، کنش اظهاری با ۲۳ مورد و کنش عاطفی با ۲۲ مورد بیشترین میزان را در این سوره دارند و کنش تعهدی با ۱ مورد کمترین میزان را دارند. تعداد زیاد کنش ترغیبی و اظهاری با توجه به مباحث مطرح شده در این سوره، کاملاً قابل توجیه است.

- جلالی و صادقی (۱۳۹۳) در مقاله «سطوح گفتار زنان در گرشاسب‌نامه بر مبنای تئوری سرل» بر این باور هستند که اغلب گفتارهای زنان در گرشاسب‌نامه میان سطوح برابر اجتماعی شکل گرفته است. به علاوه در میان آنها، کنش «اعلامی» وجود ندارد. عدم وجود چنین کنشی در میان گفتار زنان نشان می‌دهد که آنان نقش اجتماعی درخور در جامعه نداشته‌اند.

۳. نظریه کنش گفتاری سرل

آرا و اندیشه‌های «آستین» با وجود کوششهای بی‌وقفه وی در این زمینه، ضعفها و مشکلاتی در پی داشت؛ بنابراین، در راستای اصلاح نظریه وی، تلاشهای فراوانی انجام گرفت که «جان سرل» سرآمد دیگران بود و آرا و اندیشه‌های وی با اقبال بیشتری از جانب مخاطبان روبرو شد. به باوری وی، بررسی کنشهای گفتاری براساس ظرفیتهای اساسی ذهن صورت می‌گیرد و این امر نیز از طریق حالات ذهنی همانند ایمان، میل و نظایر آن و علی‌خصوص به واسطه عمل و ادراک آن، رابطه ارگانسیم را با جهان برقرار می‌کند» (سرل، ۱۹۸۳: ۷). جان سرل پیش از آنکه نظریه خویش را اشکار کند، در محضر آستین مراحل شاگردی را پشت سر گذاشته بود، وی بعد از آنکه مطالعات خود را کامل کرد، در یک رویکرد جدید و در راستای اصلاح نظریه استاد خویش، آستین، تقسیم‌بندی پنج‌گانه‌ای برای کنشهای گفتاری عرضه کرد که عبارت بودند از: «کنش اعلامی، کنش عاطفی، کنش تعهدی، کنش ترغیبی و کنش اظهاری» (همان: ۳۴۴). منظور از کنش اظهاری، بیان حالات یا حوادثی است که شخص راوی، باور خویش را در مورد درستی و یا نادرستی مطلبی نشان می‌دهد، این عمل، تعهد گوینده سخن و راوی را نسبت به صدق گزاره مطرح اظهار

می‌کند» (صفوی، ۱۳۸۷: ۸۲). به دیگر سخن، در این بخش از کنش گفتاری، شخص راوی، ادعای درست بودن کلامی را که بر زبان جاری می‌کند در یک نگاه کلی، «توصیفها، تأکیدها، اظهارها و جمع‌بندیها و بیان حقیقتها و مانند این که دنیای بیرون را آن طور که عقیده دارد، ترسیم کند، کنش اظهاری است» (باربر و استیتون، ۲۰۱۰: ۹۰۷).

ذکر این نکته ضروری است که فعلهای کنش اظهاری بدین قرار هستند: «تأیید کردن، دلیل آوردن، معرفی کردن، توصیف کردن، تفسیر کردن، شرح دادن، تغییر فعالیت دادن، بخشیدن، نفی کردن، اعتراض کردن، نقد کردن، محدود کردن، رهاکردن، تصریح کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، گفتن و گزارش دادن است» (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸). «کنش ترغیبی» یکی دیگر از موارد تقسیم‌بندیهای پنجگانه جان سرل از کنشهای گفتاری است که «طرف مخاطب را برای انجام اعمالی تشویق می‌کند و وی را در حالتی مکلف و مجبوری برای انجام کاری قرار می‌دهد» (یول، ۱۹۹۶: ۵۴). برای نمونه، جمله‌هایی همانند «لطفاً نظافت را رعایت نمایید» و یا «مبادا این غذا را بخورید» محملی برای کنش ترغیبی است؛ این رویکرد، خواهشها و تمایلات شخص راوی سخن را نشان می‌دهد. نمونه آشکار کنش ترغیبی در سؤاها و خواهشها دیده می‌شود. افزون بر این، باید اشاره کرد که صاحب‌نظران، فعلهای کنش ترغیبی را به شرح زیر اعلام کرده‌اند: «خواستن، توانستن، بایستن و لازم بودن، دستور دادن، دعوت کردن، اجازه دادن، سؤال کردن، بازخواست کردن، اطلاعات درخواست کردن، توضیح خواستن، تقاضا کردن، درخواست اثبات کردن، توصیه کردن، پیشنهاد کردن، القا کردن، هشدار دادن، به مبارزه طلبیدن، تکرار کردن، دوباره راه انداختن، اصرار و پافشاری کردن، اخطار دادن، اعلام نیاز کردن، به مبارزه طلبیدن، توصیه کردن، شرط گذاشتن، نصیحت کردن، التماس و تمنا کردن» (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸).

از دیگر کنشهای گفتاری که سرل بدان قائل است، «کنش تعهدی» نام دارد. این نوع به آن دسته از کنشهای گفتاری اطلاق می‌گردد که شخص راوی سخن را نسبت به سیر اعمال آتی متعهد می‌نماید» (آلام، ۱۳۸۲: ۲۰۶) به دیگر سخن، هدف از این کنش آن است که «شخص راوی خویشتن را متعهد می‌کند کاری را در آینده انجام دهد» (سرل، ۱۹۸۳: ۱۴). با این تعاریف، می‌توان گفت که فعلهایی همچون سوگند خوردن، تعهد دادن،

قول دادن، توجیه و ثابت کردن و ضمانت کردن در زیر مجموعه این کنش گفتاری هستند. چهارمین کنش گفتاری در تقسیم‌بندی سرل، کنش عاطفی است، نام و عنوان کنش، بیانگر دخیل بودن عاطفه و احساس در گفتار شخص گوینده است. جان سرل در توضیح این کنش می‌نویسد «کنش عاطفی، تبیین حالات روحی گوینده سخن در مورد وضعیت و شرایطی است که در محتوای گزارها تعیین گردیده است. در این نوع کنش، گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌کند مطابقت دهد و نه کلمات بیان شده را با جهان بیرون؛ بلکه صدق و حقیقت گزاره بیان شده، بدیهی و مسلم فرض شده است» (همان: ۱۵). ولی افعالی که بیانگر عواطف و احساسات گوینده سخن هستند، در زمره کنشهای عاطفی قرار می‌گیرند، افعالی همچون: تشویق کردن، ناراحت شدن، خوشحال شدن، ذوق زده شدن، هیجانی شدن و...

۴. کنشهای گفتاری سرل در سروده‌های میرزاده عشقی

چنانکه گذشت فلسفه زبانی کنش گفتار یکی از دیدگاه‌هایی است که می‌توان براساس آن متن را تحلیل کرد. در این بخش از پژوهش، اشعار میرزاده عشقی براساس کنشهای گفتاری پنج‌گانه سرل (اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی) تبیین و تفسیر شده است برای این منظور، در ذیل هر کدام از کنشهای گفتاری سرل، ابیاتی از سروده‌های میرزاده عشقی به عنوان نمونه ذکر شده است.

۴-۱. کنش اظهاری

در کنش اظهاری، هدف شاعر، نویسنده و گوینده بیان کیفیت اشیاء و رویدادهاست. در این نوع کنش گفتاری، شخص شاعر، نویسنده و یا گوینده همانطور که گزاره‌ای را ارائه می‌کند، واقعیت را از طریق جملات خویش به تصویر می‌کشد. به دیگر سخن، دنیای پیرامون خویش را از طریق توصیفات، باورها و اظهارات خود و بر مبنای نگره‌هایش، نشان می‌دهد. در شعر «احتیاج» باور خویش را در مورد نیازمندی و احتیاج بیان کرده‌است. او شعرهایش را به زبانی ساده و عامیانه و همه فهم می‌سرود و از این رو بود که به سهولت درک می‌شد و در اذهان می‌ماند و از گرانی و فقر و جهل و نادانی و شرایط دشوار زندگی

مردم می‌نوشت و دلایل این مصائب را به زبانی ساده بیان می‌کرد به گونه‌ای که بر دل می‌نشست.

از اداره رانده: مرد بخت بر گردیده‌ای! سقف خانه از فشار برف و گل خوابیده‌ای!
زن در آن، هول جان خود، جنین زائیده‌ای! نعش ده ساله پسر، در دست سرما دیده‌ای!
از پدر دور و زنان ناخورده‌ام بشنیده‌ای! رفت دزدی، خانه یک مملکت دزدیده‌ای!
شد ز راه بام بالا، با تن لرزیده‌ای اوفتاد از بام و شد نعش ز هم پاشیده‌ای!
کیست جز تو، قاتل این لاعلاج؟

احتیاج ای احتیاج

بی‌بضاعت دختر، علامه عهد جدید داشت بر وصل جوان سرو بالائی امید
لیک چون بیچاره، زر، در کیسه‌اش بد ناپدید عاقبت هیزم فروش پیر سر تا پا پلید
کز زغال کنده دایم دم زدی، و زچوب بید از میان دکه، کیسه کیسه، زر بیرون کشید
مادرش را دید و دختر را، به زور زر خرید احتیاج آمیخت با موی سیه، ریش سفید
از تو شد این نامناسب ازدواج!

احتیاج ای احتیاج !!! (عشقی، ۱۳۵۰: ۳۰۳، ۳۰۴)

مشاهده گردید در این بخش از شعر، میرزاده عشقی، واقعیت‌های بیرونی را براساس اندیشه‌های خویش بیان می‌کند. این کنش گفتاری تا حد بسیاری به مکتب رئالیسم قرابت می‌یابد. بدین معنا که در کنش اظهاری شاعر با تکیه بر تخیل خویش، واقعیت جهان پیرامونش را بازتاب می‌دهد. در رئالیسم نیز این گونه است؛ رئالیسم نه تقلید صرف از واقعیت که آفرینشی مبتنی بر تخیل است، زیرا «هنر اصولاً به بازنمایاندن شکل ظاهری واقعیت علاقه ای ندارد. هدف از کار هنری، این نیست که عکسی از واقعیت تهیه شود. آفریده‌های هنر تفاوت بسیاری با اشیای دنیای خارج دارد چون هنر ضمن جذب مفاهیم و تأثیرات برخاسته از واقعیت، به انعکاس دنیای درونی انسان، تجربه هایش، شخصیت و تلقی‌اش از جهان خارج هم می‌پردازد» (ساجکوف، ۱۳۸۸: ۱۳). از این رو بلینسکی می‌گوید: «هنر باز آفرینی واقعیت است، نه رونوشت آن» (بونزور، ۱۳۹۰: ۲۸۸). هنرمند با محدودیت‌هایی مواجه است و فقط می‌تواند بخشی از واقعیت را بنمایاند؛ حتی در عکاسی نیز بخشی از واقعیت، آن هم از زاویه‌ای خاص نمود می‌یابد. ناگفته پیداست که انتخاب

بخش یا جنبه‌ای از واقعیت به زاویه‌ی دید و جهان‌بینی هنرمند بستگی دارد. در شعر زیر نیز، کنشهای اظهاری بسیار مشهود است و می‌توان گفت، رویکرد غالب در سروده‌های میرزاده عشقی، کنش اظهاری است. البته گاهی کنشهای گفتاری اظهاری وی در زمانی می‌شود، بدین معنا زمان‌مند هستند و در باب افراد خاص و رویدادهای ویژه سروده شده و با گذر زمان مصادیق آنها از میان رفته است، شعر «به نام عشق وطن» یکی از این سروده‌هاست. در سال ۱۲۹۸ که حسن وثوق (وثوق‌الدوله) قرداد ایران و انگلیس را امضاء کرد، میرزاده به نشانه اعتراض، این شعر را سرود و حقیقت و واقعیت موجود را بنابر آراء و نتیجه‌گیری خویش بیان کرد، افزون بر فراوانی کنشهای اظهاری، مخاطب به طور ضمنی نیز می‌تواند پی به وجود کنشهای ترغیبی نیز ببرد.

هر چه من ز اظهار راز دل تحاشی می‌کنم

بهر احساسات خود، مشکل تراشی می‌کنم

ز اشک خود بر آتش دل، آب‌پاشی می‌کنم

باز طبعم بیشتر، آتش‌فشانی می‌کند

دست و پای گله با دست شبانشان بسته‌اند

خوانی اندر ملک ما، از خون خلق آرسته‌اند

گرگهای انگلوساکسون، بر آن بنشسته‌اند

هیئتی هم بهرشان خوان گسترانی می‌کند!

رفت شاه و رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت

باغبان زحمت مکش، کز ریشه‌کنند، این درخت

میهمانان وثوق‌الدوله، خونخوارند سخت

ای خدا با خون ما، این میهمانی می‌کند!

ز انزلی تا بلخ و بم را، اشک من گل کرده‌است

غسل بر نعش وطن، خونابه‌ی دل کرده‌است

دل دگر پیرامن دلدار را ول کرده‌است

بر زوال ملک دارا، نوحه‌خوانی می‌کند

(عشقی، ۱۳۵۰: ۳۰۹-۳۱۲)

مشاهده گردید که میرزاده عشقی در قالب کنشهای اظهاری که در تک تک واژگان آن، اعتراض و توصیف کردن وجود دارد، افکار و اندیشه‌های خود را به مخاطبانش القا کرده است. ذکر این نکته ضروری است فعلهای «آغاز کردن یک عمل، ابراز کردن، اثبات کردن، ادعا کردن، اظهار کردن، اعتراض کردن، اعطا کردن، اعلان کردن، التماس کردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تایید کردن، تصحیح کردن، تغییر فعالیت دادن، تفسیر کردن، تکذیب کردن، توصیف کردن، دسته بندی کردن، دفاع کردن، دلیل آوردن، رها کردن، شرح دادن، گزارش دادن، گفتن، محدود کردن، مطمئن بودن، معرفی کردن، نسبت دادن، نفی کردن، نقد کردن، واگذار کردن» (پهلوان‌نژاد و اصطهبانی، ۱۳۸۷: ۱۰). از فعلهای رایج کنش اظهاری هستند، از این رو، اغلب سروده‌های میرزاده عشقی نیز سرشار از فعلهای است که در زمره کنش اظهاری قرار می‌گیرند. شعر «سرگذشت تأثرآور شاعر» یکی دیگر از سروده‌های میرزاده عشقی است که وجه غالب فعلهای آن بیانگر کنش اظهاری است. طبیعت‌گرایی از نمودهای برجسته آثار شاعران است. اغلب شاعران، خود را بیگانه‌ای در میان بیگانگان بسیار می‌بیند. حال که نمی‌توانند جهان را بر قواره همّت یا بهتر بگوییم رویای خود بدوزند، پناهگاه امن خویش را در دوردستها، به دور از شهرنشینی و مظاهر تمدن می‌جویند؛ به دامن طبیعت می‌گریزند تا خود را بیابد و عرصه را برای شکوفایی نبوغ خویش فراهم سازند و جولانگاه «ناخودآگاه» را گسترده کنند. «توجه فراوان به طبیعت و شیوه‌های زندگی طبیعی، توجه فراوان به منظره مخصوصاً مناظر و صحنه‌های بکر و وحشی، ایجاد رابطه بین رفتارهای بشری با رفتارهای طبیعت، اهمیت بسیار برای نبوغ ذاتی و استعداد و قدرت تخیل، اعتقاد به فرد و نیازهای او، درون‌گرایی و تکیه بر ضمیر ناآگاه و بیان احساسات و عواطف» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۶۴). بیشتر شاعران، عاشق طبیعت هستند و می‌کوشند تا با دریافتهای شخصی خود، راز پدیده‌های هستی را بیان کنند. «برای این کار به ذهن منطقی توسل نمی‌جویند، بلکه به ذات کمالی و عواطف و احساسات خویش پناه می‌برند» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). اینک به شعر «کوه الوند و شهر همدان» با رویکرد کنش اظهاری نگاهی بیفکنیم:

کوه الوند که شهر همدان دامنش است

جامه سبز به بر دارد و طوطی منش است

صبحدم تازه چو خورشید بدو تابد نور
 سنگهایش زر و آبش همه سو نقره‌وش است
 آبشار از کمر کوه چو ریز به نظر
 نقره ذوب شده از سر زر در پرش است
 دور شهر از دو طرف، رشته کساری آن
 چون دو دستی است که معشوقه در آغوش کش است
 در پناه صف کسار، طبیعت همه سوی
 از زمرد قلمی در کفش و نقشه‌کش است
 همه سو دایه جوئیست که در تربیت است
 همه جا طفل گیاهیست که در پرورش است
 از آنکه که یکی تند نسیم از پس که
 تند و چالاک چو یک دشت سپه در یورش است
 هر درختی به مصافش سری آورد فرود
 یا که در کرنش و یا در صدد کشمکش است
 سخت است که انسان به زبانش آرد
 آنچه از نقشه ایوان جهان در سرش است
 تپه پیر مصلی ز جوانی یادش

از فر سنجر و از شوکت اهخامنش است...

(عشقی، ۱۳۵۰: ۳۲۹، ۳۳۰)

کنشهای گفتاری در شعر بیشتر شاعران، نشان می‌دهد که گستره باشکوه طبیعت که نشانه قدرت بی‌انتهای خداوند است، همواره یکی از سرچشمه‌های هنر بوده و در موسیقی، نقاشی، شعر و بسیاری از آثار مشهور هنرمندان نمود خاصی داشته است. شاعران عرصه ادب فارسی نیز همواره با طبیعت و مظاهر آن پیوند داشته‌اند و در تصویرپردازیهای خویش از عناصر طبیعت بهره برده و با طبیعت همراه و هم‌دل شده‌اند و احساس خود را به طبیعت انتقال داده‌اند. توصیف طبیعت و مظاهر آن در شعر میرزاده عشقی کاربرد فراوانی دارد. با این مشخصه که گاهی این تصاویر سیاه، تیره و تار هستند و این طبیعت سیاه

«بیش از آنکه معلول نگرشی والا به طبیعت یا بیان روابط نامناسب و غیرانسانی اجتماعی باشد، وابسته هویت منفرد و منزوی و احساسات‌گرایانه آنان است که گاه اصالت و عمق احساسات آنان نزد خواننده مورد تردید قرار می‌گیرد» (باباچاهی، ۱۳۸۰: ۱۵۸-۱۵۹). تصاویر طبیعت در آثار میرزاده عشقی اغلب تصاویری است که به سیاهی، هراس و تاریکی مطلق می‌رسد و گاه پرشور و رنگارنگ، تابلویی زیبا در مقابل خوانندگان ترسیم می‌کند.

البته نباید کنشهای اظهار در سروده‌های میرزاده عشقی محدود به توصیف طبیعت و یا بیان عاشقانه‌ها بدانیم، بسیاری از سروده‌های وی که از فعلهای کنشهای اظهاری بهره گرفته، فعلهای نقد کردن، اعتراض کردن و گزارش کردن وضعیت نابهنجار روزگار شاعر است. به نوعی فضای فاسد سیاسی و اجتماعی دوران شاعر، در پیش گرفتن این رویکرد تأثیرگذار بوده است و ما می‌توانیم دلیل عمده روی آوردن میرزاده عشقی به این نوع کنش (اظهاری)، فضای تیره و تاریک سیاست و اجتماع دوران شاعر بدانیم، فضایی که در آن استبداد و خفقان، وطن‌فروشی سیاسیون و رواج رذیلت‌های اخلاقی، روح ناآرام و حساس شاعر را آزرده می‌کرد. «دزد پاتختی» نمونه‌ای از سروده‌های میرزاده عشقی با این رویکرد است، فعلهای این شعر نیز اغلب از نوع کنش اظهاری هستند:

هزار بار مرا، مرگ به از این سختی است

برای مردم بدبخت، مرگ خوشبختی است

گذشت عمر به جان‌کندن، ای خدا مردم

ز دست این همه جان‌کندن، این چه جان سختی است

رسید جان به لبم، هر چه دست و پا کردم

برون نشد دگر، این منتهای بدبختی است

رجال ما هم دزدند و دزد بدنام است

که دزد گردنه، بدنام دزد پاتختی است

رجال صالح ما، این رجال خنثی‌یند

که از رجال دگر، امتیازشان لختی است

زنان کشور ما زنده‌اند در کفن‌اند

که این اصول سیه بختی، از سیه رختی است

(عشقی، ۳۹۲: ۱۳۵۰)

شعر «در نکوهش روزگار» نیز یکی دیگر از سروده‌های میرزاده عشقی است که فعلهای بخش آغازین آن بیانگر این است که وجه غالب آن از نوع کنش اظهاری است. در این شعر به نوعی شاهد تقابل و رویارویی میرزاده با فلک و روزگار هستیم، شاعر وقتی نمی‌تواند مستقیماً با آن قدرت قهار درافتد، الفاظی چون چرخ و روزگار و گردون و فلک و ایام و دهور را به زبان آورده‌است در شعر میرزاده هم اینگونه است و با استفاده از کنشهای گفتاری از نوع کنش اظهاری به شماتت روزگار پرداخته و معترض کج‌روی اوست:

آسمانت فتنه بار است و زمینت فتنه زار

دست زرعِت تخمِ غم پاش است و تخمِ دل فگار

ای عجب زین تخمِ کار و وا سَف زان تخم‌زار

تخم در دل ریخته از دیده روید زار زار

دوستی با دشمنان و دشمنی با دوستان

با بدان خوبی و با خوبان بدی در این جهان

(عشقی، ۱۳۵۰: ۳۴۵)

شکایت از روزگار، چرخ گردون، ستارگان، بی‌مهری مردم، ظلم امرا و حکام و... که در قالب شکواییه‌ها ارائه شده، بخشی از سروده‌های شاعران راه‌مواره در طول دوره‌های شعری به خود اختصاص داده‌است. در پایان این بخش باید اشاره کرد از میان ۲۵۶۷۳ فعلی که در سروده‌های میرزاده عشقی به کار رفته‌است، ۲۴۲۸۲ فعل آن در زیر مجموعه فعلهای کنش اظهاری قرار می‌گیرد و اغلب فعلهایی هستند با مضامین آغاز کردن یک عمل، ابراز کردن، اثبات کردن، ادعا کردن، اظهار کردن، اعتراض کردن، اعطا کردن، اعلان کردن، التماس کردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تأیید کردن، تصحیح کردن، تغییر فعالیت دادن، تفسیر کردن، تکذیب کردن، توصیف کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، دلیل آوردن، رها کردن، شرح دادن، گزارش دادن، گفتن، محدود کردن، مطمئن بودن، معرفی کردن، نسبت دادن، نفی کردن، نقد کردن، واگذار کردن.

۲-۴. کنش عاطفی

کنش عاطفی یکی دیگر از کنشهای گفتاری سرل است، عنوان این کنش بیانگر آن است که حالت‌های روحی و روانی شخص در این کنش نقش اصلی را دارد. شخص گوینده در این کنش گفتاری، احساسات و عواطف خویش را از طریق تعجب کردن، خوشحالی کردن، سپاسگزاری، عذرخواهی، تنفر، شادباش و از این قبیل موارد بیان می‌کند. افعال کنشهای عاطفی عبارتند از «اظهار همدردی کردن، اهانت کردن، بیان کردن آرزو، پیش‌بینی کردن، تأمل کردن، تبریک گفتن، تردید داشتن، تسلیم شدن، تشکر کردن، تعجب کردن، تمجید کردن، تهدید کردن، خشمگین شدن، خشنودشدن، دست انداختن، دشنام دادن، سلام کردن و احترام گذاشتن، شکایت کردن، شوخی کردن، عصبانی شدن، فرضیه داشتن، متضمن چیزی بودن، مسخره کردن، معذرت خواستن، ناامید و دلسرد شدن، ناسپاسی کردن» (پهلوان‌نژاد و اصطهبانی، ۱۳۸۷: ۱۲). کنشهای عاطفی در شعر میرزاده عشقی ۹۳۷ به کار رفته است، این کنش در قالب بیت و یا معدود ابیاتی در میان کنشهای اظهاری و ترغیبی قرار می‌گیرند و مخاطب گاه حالات روحی و روانی میرزاده عشقی جوان و پرشور را در لابلای سروده‌هایش مشاهده می‌کند. به عنوان مثال در یکی از شعرهای نوروزی‌نامه، تبریک و شادباش وی به خاطر رسیدن عید نوروز مشاهده می‌شود:

خوشا امروز روز ما که خوش شد روزگار ما

چنین روز خوشی بنگر چگونه کرد کار ما

ز هر حیثی خوش اندر خوش نموده کار و بار ما

تو در این شهر یار ما و این دو شهریار ما

خوش شهریار ما و در این شهر یار ما

خوشا نوروزشان و روزشان خوش در چنین روزی

(عشقی، ۱۳۵۰: ۲۵۸)

در شعر زیر احساسات و عواطف شاعر نسبت به وطن در قالب کنش عاطفی بیان می‌شود. وطن به شکل امروزی از مؤلفه‌های شعر عصر مشروطه و میراثی از رمانتیسم اروپایی است:

خاکم به سر، ز غصه به سر خاک اگر کنم خاک وطن که رفت، چه خاکی به سر کنم؟

آوخ، کلاه نیست وطن، گر که از سرم برداشتند فکر کلاهی دگر کنم
 مرد آن بود که این کلش، بر سر است و من نامردم ار که بی کله، آنی به سر کنم
 معشوق عشقی ای وطن ای عشق پاک من ای آن که ذکر عشق تو شام و سحر کنم
 عشقت نه سرسری ست که از سر به در شود مهرت نه عارضی ست که جای دگر کنم
 عشق تو در وجودم و مهر تو در دلم با شیر اندرون شد و با جان به در کنم
 (عشقی، ۱۳۵۰: ۴۱۱)

برای درک چرایی کاربرد کنش عاطفی بیش از سایر کنشهای دیگر (به جز اظهاری) استفاده کرده‌است، باید تصویری از صحنه جامعه ایران در دو دهه اول قرن بیستم ارائه داد. رویدادهای دوره حدوداً سی ساله بین قتل ناصرالدین شاه و به تخت نشستن سردار سپه (رضاخان) و موضع‌گیریهای احساسی و عاطفی میرزاده عشقی در تحولات سیاسی و اجتماعی به‌ویژه قرارداد ۱۹۱۹ و نقش وثوق‌الدوله دلیل آن بوده‌است.

شعر زیر یکی از سروده‌های عشقی است که مخاطب در آن، کنشهای دشنام دادن، ناامید شدن، دلسرد شدن، عصبانی شدن، مسخره کردن و دست انداختن را مشاهده می‌کند و تمام این کنش‌ها نیز در زیرمجموعه کنشهای عاطفی قرار می‌گیرند. دلیل چنین رویکردی نیز وقایع سیاسی و اجتماعی روزگار شاعر است. از دید او مشروطه از راه راست خود منحرف شده‌است، کسانی به مجلس راه یافته‌اند که حقوق مردم را تضییع می‌کنند و به دنبال سود خود هستند نه منافع ملت. نکته توجه برانگیز، همراهی کنشهای ترغیبی با کنشهای عاطفی در این مستزاد است که در بخش بعدی پژوهش (کنشهای ترغیبی) به تفصیل بدان پرداخته می‌شود:

این مجلس چهارم به خدا ننگ بشر بود!	دیدی چه خبر بود؟
هر کار که کردند ضرر روی ضرر بود	دیدی چه خبر بود؟
این مجلس چهارم، خودمانیم، ثمر داشت؟	والله ضرر داشت!
صد شکر که عمرش چو زمانه به گذر بود	دیدی چه خبر بود؟
دیگ و کلا جوش زد و کف شد و سر رفت	باد همه در رفت!
ده مزده که عمر و کلا عمر سفر بود	دیدی چه خبر بود؟

(عشقی، ۱۳۵۰: ۲۷۱)

شعر فوق یکی از مفصل‌ترین هجوهای اجتماعی عشقی است که به قول شفیعی کدکنی: «نمی‌توانیم لطف سخن و گزندگی هجو او را انکار بکنیم». بسیاری از اشعار عشقی بازتاب سیاسی از وضعیت جامعه است. ستمی که بیداد می‌کند، وضع سیاه حکومت که باعث سکوت مردم و از بین رفتن افراد مهم جامعه شد و آزادی بیان را از مردم گرفت و بسیاری از منتقدان و آزادی‌خواهان را از بین برد. شاعر از بی‌خردی دولت، ستم و زورگویی، بی‌عدالتی، دزدی، بی‌احترامی به فقرا سخن گفته و جامعه را مانند قفسی تنگ و تاریک ترسیم کرده است. میرزاده عشقی جوان، پرشور است و لذا به عواطف و احساساتش را نیز بی‌پرده و صریح در باره مسائل سیاسی و اجتماعی بیان می‌کند و همین امر نیز موجبات قتلش را فراهم می‌کند. وی نیک می‌داند که در جامعه فقر زده و بیمار از جهل، فضیلتها معدوم می‌شوند و تنها ارزش و ملاک برتری ثروت می‌گردد.

مردکی پیر و پلید و احمق و معلول و لنگ

هیچ نافهمیده و ناموخته غیر از جفنگ

روی تختی با زنی زیبای در قصری قشنگ

آرمیده چونکه دارد سکه سنگ زرد رنگ

من جوان شاعر معروف از چین تا فرنگ

دائماً باید میان کوچه های پست و تنگ!

صبح بگذارم قدم تا شام بردارم شلنگ

چون ندارم سنگ سکه نیست باد این سکه سنگ!

(عشقی، ۱۳۵۰: ۳۰۴)

افزون بر مسائل اجتماعی و سیاسی، دلیل دیگری نیز برای پاسخ به چرایی اینکه در سروده‌های میرزاده عشقی، بخش قابل توجهی از کنشهای گفتاری به کنش عاطفی اختصاص دارد، می‌توان یافت و آن به دلیل حکومت دل بر سر و حاکمیت احساس بر عقل بوده است. اغلب ایرانیان انسانهای احساساتی هستند و دنیای اطراف را از دریچه دل و احساس می‌بینند و به تبع آن ارزیابی می‌کنند به خصوص زمانی که موضوعی به اندازه کافی احساس آنها را تحریک کرده باشد، طبیعتاً میرزاده پرشور و جوان نیز از این حیث مستثنی نبوده است. این رویه را ما در نقل قولهای دیگران در مورد او مشاهده می‌کنیم.

برای اثبات این مدعا نگاه شود به اظهار نظر نفیسی در مورد روحیات میرزاده عشقی: «...کراراً با من درافتاد و به من پرخاش کرد و مرا مسخره کرد که چرا می‌گویم فلان چیز را بخوان! در نظر او انقلاب یعنی تنها پیرو میل و احساس و شور و عشق رفتن و مطلقاً توجهی به گذشته نداشتن... ناچار چنین کسی تحمل انتقاد را نداشت و با هر کس که می‌خواست به او راهنمایی بکند دشمن می‌شد. ما با کمال احتیاط با او رفتار می‌کردیم... می‌توان گفت روی هم رفته مردی افراطی بود، چه در دوستی و چه در دشمنی، چه در موافقت و چه در مخالفت» (حائری، ۱۳۷۳: ۱۷۲). حتی اگر از این دست روایات نیز پیرامون عشقی وجود نداشت، مخاطبان شعر وی به آسانی متوجه خواهند شد که میرزاده جوان بیشتر تابع احساسات و عواطف خود بوده‌است و گاهی این رویکرد نیز او را به سوی تعصب و پرخاش می‌کشاند. هجویه‌های میرزاده عشقی — که اغلب سیاسیون روزگار خویش را مورد آماج حملات خود قرار داده است — شاهدی بر این ادعای نگارنده است. نقد مجلس چهارم، خرنامه و... برخی سروده‌های وی این رویکرد را داشتند. منظومه «عید خون» نمونه بارز آنارشیسم در تفکر وی است، او در سه نوشتاری که در روزنامه شفق در سال ۱۳۰۱ چاپ کرد، با سخنانی که ترکیبی از نظم و نثر بود، پیشنهاد کرد که مردم ایران، هر سال، پنج روز را به کشتن خائنان وطن اختصاص بدهند و هر کسی را که در طول سالی که سپری شده و به نوعی به مصالح کشور ایران خیانت کرده بکشند تا در ادامه، کسانی که امور کشور را در دست دارند از اجرای این قانون اطمینان حاصل کنند، باور وی به چنین پیشنهادی به حدی زیاد بود که می‌گفت: «... باید طوری عقیده خونریزی را ترویج کرد که زنها اغلب به عوض مهریه از شوهرشان ریختن خون پلید و خائنی را بخواهند» (عشقی، ۱۳۵۰: ۱۲۱).

به هر حال، برتری بی‌چون و چرای هیجانانگیز سیاسی، نشان داد که «علاقه‌ای به تکاپوی‌های فرهنگی تدریجی و نسبی‌اندیشی ندارد. گویی به ذات شورشگر است و رمانتی‌سیسم، جزوی از جان شعری‌اش. این نکته، گاه، مرزهای فکری‌اش را با هرج و مرج‌خواهی از بین می‌برد» (عابدی، ۱۳۹۳: ۲۴۷).

سیصد و شصت روز راحت باش

عید خون گیر پنج روز از سال

(همان: ۱۲۷)

۳-۴. کنش ترغیبی

کنش ترغیبی از دیگر کنشهای پنج‌گانه سرل است که ۴۳۲ مورد در شعر میرزاده عشقی کاربرد داشته‌است، هدف از آن نیز ترغیب و تشویق مخاطب در راستای عمل کردن به کاری است و یا اینکه مخاطب را در حالتی اجبارگونه برای انجام دادن کاری قرار دهیم. یعنی وی را مجبور و مکلف به انجام عملی کنیم. شخص گوینده یا شاعر، نویسنده و یا خطیب، مخاطب، شنونده و یا خواننده را مجبور و مکلف به انجام کاری بکنند. بنابراین توضیح که گفته شد؛ کنش ترغیبی در حقیقت بازتاب خواستها و تمایلات شخص گوینده است. مهم‌ترین و شاخص‌ترین فعلهای کنش ترغیبی عبارتند از «تعجب کردن، انکار کردن، توبیخ کردن، تحقیر کردن، تهدید کردن، اکرام کردن، دعا کردن، پرسش کردن یا استفهام در موقعیت‌های مختلف، اجازه دادن، اخطار دادن، اصرار و پافشاری کردن، اعلان نیاز کردن، التماس و تمنا کردن، القا کردن، بازخواست کردن، بایستن و لازم بودن، به مبارزه طلبیدن، بی‌توجهی کردن، پندواندرز دادن، پیشنهاد کردن، تجویز کردن، تقاضا کردن، تکرار کردن، توانستن، توصیه کردن، توضیح خواستن، خواستن، من می‌خواهم که، درخواست اثبات کردن، درخواست اطلاعات کردن، درخواست کردن، دعوت کردن، دوباره راه انداختن، شرط کردن، شرط گذاشتن، گدایی کردن، معذرت‌خواهی کردن، نصیحت کردن، هشدار دادن» (پهلوان‌نژاد و اصطهبانی، ۱۳۸۷: ۱۱).

همانگونه که در بخش کنشهای اظهاری اشاره شد، بخش قابل توجهی از سروده‌های عشقی به فلک‌نالی و شکایت از روزگار و بی‌اعتباری دنیا اشاره دارد، وی برای بیان این منظور خود را محدود به کنشهای اظهاری نکرده است و از کنشهای ترغیبی نیز بهره گرفته است. شعر «نامه عشقی» با افعال کنش ترغیبی بیان شده‌است تا فلک و روزگار را ملزم کند که تغییر روش بدهد:

سزد ای شام چرخ تیره‌وش وقتی سحر گردی

نه هر شام و سحر ای تیره گردون تیره‌تر گردی

همانا تا رهم زانده وضع زشت این گیتی

سزد ای چشم نابینا شوی، ای گوش کر گردی

بپا از گردش چرخ است این دنیای نازیبیا

ستد زین ناستوده گردش ای چرخ برگردی

(عشقی، ۱۳۵۰: ۳۶۹، ۳۷۰)

آمیختگی شور وطن دوستی با جوانی و بی تجربگی، خاطرات تلخی برای عشقی رقم زد. همین امر او را به یأس و بدبینی کشانید. شعر «در نکوهش روزگار» از دیگر سروده‌های میرزاده عشقی است که وجه غالب فعلهای بخش دوم از نوع کنش ترغیبی است:

باز را چنگال گنجشکان بیازردن چراست؟

شیر را برگو: که آهوی حزین خوردن چراست؟

من ندانستم پس از این زندگی مردن چراست؟

با طراوت بودن و آخر افسردن چراست؟

ای سبک بن خانه بی اعتبار

روزگار ای روزگار!

از چه روی خوبرویان را چنین افروختی؟

کز شرارش قلب عشاق جهان را سوختی؟

از چه «عشقی» را لب آزاد گفتن دوختی؟

وین همه سر مگو در خاطرش اندوختی؟

روزگار ای تلخ کام ناگوار!

روزگار ای روزگار!

(همان: ۳۱۳-۳۱۵)

در سال ۱۳۲۷ قمری که حسن وثوق (وثوق الدوله) قرارداد ایران و انگلیس را به وسیله جراید آن زمان اعلام کرد، عشقی منظومه اعتراض آمیز خود را با عنوان «بنام عشق وطن» در نتیجه تأثر از عقد قرارداد مزبور سرود. وی در مقدمه این شعر، شرحی آورده است که گویای ترغیبی بودن کنشهای گفتاری آن است:

«با عشق وطن مندرجات ذیل را در این ثبت می‌نمایم، شاید بعد از من یادگار بماند و موجب آموزش روح من باشد. باید دانست این ابیات فقط و فقط اثر احساسات ناشی از معاهده دولتین انگلستان و ایران است که از طبع من تراوش کرد و این نبوده مگر این

قرارداد در ذهن این بنده جز یک معامله فروش ایران به انگلستان، طور دیگری تلقی نشد. این است که با اطلاع از این مسئله شب و روز در وحشتم و هر گاه راه می‌روم فرض می‌کنم روی خاکی قدم برمی‌دارم که تا دیروز مال من بود و حال از آن دیگری است. هر وقت آب می‌خورم می‌دانم این آب... الخ از این رو هر لحظه نفرینی به مرتکب این معامله می‌گفتم، تقریباً قصیده‌ها، غزلها و مقاله‌ها در این خصوص تهیه کرده ولی چون هیچ کس پیرامونم برای ثبت و حفظ آنها نبود، تقریباً تمام آنها از یاد رفت، بی‌آنکه اثری کرده باشد» (عشقی، ۱۳۵۰: ۳۰۹). نگاه شود به شعر «بنام عشق وطن» که اغلب فعلهای آن استفهامی از نوع تحقیری است و این نوع فعلهای در محدوده کنشهای ترغیبی قرار می‌گیرند. این رویکرد نشان می‌دهد که میرزاده عشقی یکی از برجسته‌ترین شاعران منتقد و آزاده ایران است که با نیش قلم خویش جان حاکمان و والیان فاسد و بی‌لیاقت را نشانه گرفته و وطن‌فروشان را چون وثوق‌الدوله را بی‌باکانه به باد انتقاد می‌گیرد.

ای وثوق‌الدوله! ایران، ملک بابایت نبود؟ اجرت‌المثل متاع بچگی‌هایت نبود؟
 مزد کار دختر هر روزه، یکجایت نبود؟ تا که بفروشی بهر کو، زر فشانی می‌کند
 یارب این مخلوق را از چوب بتراشیده‌اند؟ بر سر این خلق، خاک مردگان پاشیده‌اند؟
 دررگ این قوم، جای حس و خون شاشیده‌اند؟ کاین چنین با خصم جانش، رایگانی می‌کند!
 این عجب دندان ز استقلال ایران کنده‌اید! زنده‌ای ملت! سوی گور از چه بخرامنده‌اید؟
 دست از تابوت بیرون آورید ار زنده‌اید؟ گفته شد کاین نیم مرده سخت جانی می‌کند!
 (عشقی، ۱۳۵۰: ۳۱۲)

دلایل اجتماعی میرزاده عشقی برای گزینش کنشهای ترغیبی زیاده‌خواهی و خیانت سردمداران حکومتی است که باعث شده مردم این سرزمین در محرومیت، فقر، حرمان، رنج و جهل باشند. از این رو شاعر جوان، گاه با استفاده از استفهام، گاه با استفاده از درخواست و گاهی نیز با بهره‌گیری از تحقیر، نقدهای خویش را بازگو می‌کند. «خرنامه...!» یکی دیگر از سروده‌های میرزاده عشقی است که در تک تک واژگان آن تحقیر و توبیخ مشاهده می‌شود:

درداً و حسرتا که جهان شد به کامِ خر زد چرخ سفله، سکه ی دولت به نامِ خر
 افکنده است سایه هما بر سر خران افتاده است طایر دولت به دامِ خر

خر بندهٔ خران شده، آزادگانِ دهر پهلوی زن است چرخ، به این احتشامِ خر
 خرها تمام محترمند! اندرین دیار باید نمود از دل و جان احترامِ خر
 خرها و کیل ملت و ارکان دولتند بنگر که بر چه پایه رسیده مقامِ خر؟
 (عشقی، ۱۳۵۰: ۵۵۶)

وی شاهد ارجمند شدن ناشایستگان ناکارآمد است. کسانی که برای سود خود، زیان خلق را می‌جویند و از غم و اندوه دردمندان، رنجی به دل ندارند. هر خیانتی را برای حفظ منافع خود، مجاز می‌شمرند. واکنش عشقی برخاسته از عشق عمیق او به میهن خود و مردم سرزمینش است. چه سلاحی برنده‌تر از طنز! «خرنامه» نمونهٔ بارز آن است که ذکر شد. گاهی هم به صورت واکنشی فعال و با قیامها و شورشهای براندازانه شکل می‌گیرد و از مخاطب درخواست می‌شود که تمایلات انقلابی شاعر را برآورده کند:

این ملک یک انقلاب می‌خواهد و بس خونریزی بی حساب می‌خواهد و بس
 امروز دگر درخت آزادی ما از خون من و تو آب می‌خواهد و بست
 (همان: ۴۱۲)

و بعضی وقتها نیز به صورت پند و اندرز و کناره‌گیری از دنیا و نعمتهای دنیوی نمایان می‌شود که در بخش کنشهای اظهاری به تفصیل بدان پرداخته شد. همانگونه که اشاره شد در گرایش عشقی به این نوع کنش گفتاری، بافت سیاسی و اجتماعی تأثیر فراوانی داشت؛ در فاصلهٔ پایان جنگ جهانی اول و انقراض قاجاریه، نارضایتی از اوضاع مملکت، همراه با اشتیاقی در حد دست‌پاچگی برای اصلاحاتی که سالها روی کاغذ مانده بود، روحیه‌ایی آکنده از بدبینی، سوء ظن ایجاد کرده بود و با رواج بازار مطبوعات فرصت‌طلب و هتاک در آن هرج و مرج، عجیب نبود که عشقی نیز هجو را در برنامهٔ کار خود بگذارد.

افعال دعایی نیز در زیرمجموعهٔ کنشهای ترغیبی قرار می‌گیرند، این نوع افعال، در شعر عشقی کاربرد بسیاری دارد. شعر او سرشار از مرده‌باده‌ها و زنده‌بادهایی است که در ذم و یا مدح شخصیت‌های روزگار خویش سروده‌است. شعر «گوهرشاد» یکی از این سروده‌هاست که عمدهٔ فعلهای آن دعایی است و آن را در ارادات به شاهزاده خانمی ادیب و نجیب سروده است:

ایزد اندر عالمت ای عشق تا بنیاد داد عالمی بر باد شد بنیادت ای بر باد، باد
من نه آن بودم که آسان رفتم اندر دام عشق آفرین بر فرط استادی آن صیاد باد
(عشقی، ۱۳۵۰: ۵۱۱)

۴-۴. کنش اعلامی

یکی دیگر از کنشهای گفتاری سرل، کنشهای اعلامی یا اثباتی است که «در آن به بیان حالتها و وضعیت موجود در دنیای پیرامون می‌پردازد. این کنش دارای مؤلفه صدق و کذب بودن است» (محمود نحله، ۲۰۰۲: ۷۸). سرل بر این باور است «به محض اینکه کنش اعلامی بیان شود در جهان خارج، دگرگونی و تغییر واقعی به وجود می‌آید» (سرل، ۱۹۹۹: ۱۷).

این نوع کنش به نهادهای اجتماعی و قانونی وابستگی دارد، به همین خاطر نام دیگر آن «کنشهای نهادینه» است، در کنشهای اعلامی، شخص گوینده کنش با بیان جمله در دنیای پیرامون خویش، دگرگونی ایجاد می‌کند؛ بدین معنا که «میان مفهوم گزاره‌ای جمله خویش و دنیای خارج، انطباق به وجود می‌آورد» (هوانگ، ۲۰۰۶: ۷۰۹). فعلهای کنش اعلامی نیز در راستای اهداف این کنش هستند؛ اعلام کردن، شروع کردن، اتمام کردن، محکوم کردن، تحریک کردن، انتصاب کردن، نام نهادن، ممنوع کردن، به عقد درآوردن و... نمونه‌هایی از فعلهای کنش اعلامی هستند.

در سروده‌های عشقی، فعلهای اندکی (۱۸ مورد) وجود دارد که نشان می‌دهد وی از کنشهای اعلامی بهره گرفته‌است. سرشت عشقی جوان، پرشور و انقلابی بود، او خواهان تغییر و دگرگونی در نظام سیاسی و اجتماعی روزگار خویش بود، به همین منظور در شعرهایش بر تغییر و دگرگونی اصرار می‌ورزید، افزون بر این، جریان مشروطه و پسامشروطه این رویکرد را در شاعران جوان و انقلابی به وجود آورد؛ زیرا این جریان، خواهان تغییر و دگرگونی در اداره مملکت بود؛ طبیعتاً این تغییرخواهی و تجددطلبی به متون ادبی نیز راه یافت و شاعران جوانی همچون میرزاده عشقی از این قافله عقب نماندند و در آثار خویش بر طبل تغییر و دگرگونی در بنیانهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کوبیدند. شعر زیر بیانگر این رویکرد است:

اعلان زوال سیم و زر خواهم داد دولت همه را به رنجبر خواهم داد
یا افسر ظلم را نگون خواهم کرد یا بر سر این عقیده سر خواهم داد
(عشقی، ۴۰۹:۱۳۵۰)

شور و هیجان وی برای تغییر و تحوّل در این ابیات کاملاً آشکار است و به نوعی بلندپروازیهایی در تخیل وی به چشم می‌آید این امر نشان می‌دهد، زبانش از پویایی و تحرکی به مراتب نیرومند بهره می‌گیرد. در کنشهای اعلامی «صرفاً بیان سخن از سوی گوینده بسان روی دادن عمل است و نیازی به انجام کار نیست» (حسینی معصوم، رادمرد، ۱۳۹۴: ۷۱). برای مثال وقتی میرزاده عشقی در شعر فوق می‌گوید: زوال سیم و زر را اعلام می‌کنم یا دولت را به رنجبر می‌دهم و یا افسر ظلم را نگون می‌کنم و بر سر این عقیده سر خواهم داد با گفتن این عبارات، فرض بر این است که کار انجام شده است. در واقع، میرزاده عشقی با این گفتن این جمله‌ها و این سخنان، شرایط تازه‌ای را فرا روی مخاطبانش قرار می‌دهد. البته در دیگر سروده‌هایی که در آن از کنش اعلامی بهره گرفته است، انسان معاصر خویش را مورد خطاب قرار داده است از او درخواست می‌کند و یا تحریک می‌کند که تغییر رفتار دهد. برای این مدعا نگاه شود به «عید خون»:

ای بشر! مظهر شرافت شو نه ز سر تا بپا، قباح باش
مرضی، مانع شرافت توست در پی رفع این نقاهت باش
وین تعدی است بر حقوق بشر از پی دفع این جراحی باش
عید خون گیر، پنج روز از سال سیصد و شصت روز، راحت باش
(عشقی، ۱۳۵۰: ۲۸۱)

در مثال زیر خاطر نشان می‌کند، تا زمانی که جور و ستم باشد، مبارزان از پا نمی‌نشینند و خاری در چشم بیدادگران خواهند بود و با ظالم و جبار به مبارزه برمی‌خیزد و اعلان جنگ می‌کند:

تا روز خوش گشاید، آغوش خود به من در روز سخت، عرصه به خود تنگ می‌کنم
با مدعی بگوی به تعقیب من می‌ای من خود نگشته خسته، ترا لنگ می‌کنم
تیر و کمان زبان و سخن، گو به خصم من تا تیر و این کمان بودم، جنگ می‌کنم
(همان: ۳۹۹)

در مصراع دوم تمام ابیات این شعر از فعلهایی استفاده شده است که از نوع کنشهای اعلامی هستند، در این فعلها رویکرد تغییر و تحول وجود دارد و شاعر می‌خواهد چنان و چنین بکند و مخاطب صرفاً حرف وی را سند قرار می‌دهد و گفتن سخن برابر با انجام عمل است. او شاعری انقلابی و خواهان تغییر و دگرگونی است و تنها راه نجات ملت را از تیره‌بختی، انقلاب و دگرگونی نظام سیاسی و اجتماعی می‌داند. در شعری با عنوان لزوم انقلاب، درخت آزادی را نیز با خون خود و هم میهنانش آبیاری می‌کند. در فعلهای این شعر، تحریک کردن مشاهده می‌شود و همین امر باعث شده‌است که شعر آزادی را در زمره کنشهای اعلامی بپنداریم:

این ملک یک انقلاب می‌خواهد و بس خونریزی بی حساب می‌خواهد و بس
امروز دگر درخت آزادی ما از خون من و تو آب می‌خواهد و بس
(همان: ۴۱۲)

۵-۴. کنش تعهدی

کنشهای تعهدی از دیگر کنشهای گفتاری است که در سروده‌های عشقی ۵ مورد به کار رفته‌است. همانگونه که از نام این کنش برمی‌آید، تعهد کردن و ضمانت دادن برای انجام کاری در سخنی که گوینده بیان می‌کند، مدنظر قرار می‌گیرد. در این نوع کنش «شخص گوینده با قسم خوردن، تعهد دادن، پذیرفتن، قول دادن، ضمانت کردن و افعالی شبیه به این موارد، وعده انجام دادن یا ترک کاری در زمان آینده به طرف مقابل و مخاطبانش می‌دهد» (پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۰). به هر حال، گوینده در کنش تعهدی، خود را به صورت آشکار، متعهد می‌کند تا عملی را در آینده انجام دهد.

این نوع کنش در شعر عشقی همانند کنش اعلامی، بسامد بالایی ندارد و به نظر می‌رسد این رویکرد به خاطر روح سرکش و انقلابی میرزاده عشقی است، او هر چند به دنبال تغییر و دگرگونی است؛ اما خواهان تغییرات در همان زمان و لحظه است و موکول کردن کارها و انجام تغییرات به آینده در قاموس وی جای ندارد. یکی از معدود کنشهای تعهدی در شعر وی در مثال زیر آمده‌است. وی در این سروده، تعهد می‌کند به جنون عشق همواره افتخار بکند:

جنون که بر همه ننگ است، من به محضر دوست

قسم به عشق، بدین ننگ افتخار کنم

(عشقی، ۱۳۵۰: ۳۳۸)

در نقدهای اجتماعی نیز از این رویکرد بهره گرفته است، در مثال زیر، از بعضی رفتارها و اعمال که در ایام سوگواری عاشورای حسینی انجام می‌شود زبان به انتقاد می‌گشاید و به ذات خداوندی قسم می‌خورد که این اعمال جزء دین اسلام محسوب نمی‌شود:

خود این فضاحت اعمال روز عاشورا قسم به ذات خدا جزء دین تازی نیست
تو نعلش دشمن دین آر، مردی ار، ورنه تو خویش نعشی حاجت به نعلش سازی نیست

(عشقی، ۱۳۵۰: ۴۱۰)

افزون بر این دو مورد که اشاره شد، در کل آثار منظوم عشقی سه مورد دیگر از کنشهای تعهدی به کار رفته‌است که در ادامه می‌آید:

قسم به مردی، من مردم و نه نامردم با آبروی در این شهر زندگی کردم

(همان: ۱۸۴)

همچنین در بیت زیر، تعهد می‌کند اگر جان سالم به در ببرد دیگر نام سفر و مسافرت را نیاورد:

زین سفر گر جان به در بردم دگر شرط کردم ناورم نام سفر

(همان: ۲۳۳)

و در مثال زیر نیز دو نوع کنش تعهدی وجود دارد؛ نخست تعهد می‌کند که از پی زر گردد و دوم اینکه ضمانت می‌دهد که از گفته‌اش برنگردد:

سوگند به مردی، از پی زر کردم نامردم اگر از گفته‌ام برگردم

(همان: ۴۱۱)

نتیجه‌گیری

با بررسی سروده‌های میرزاد عشقی از نگاه کنشهای گفتاری سرل مشخص گردید که بیشتر نوع کنش گفتاری در سروده‌های این شاعر از نوع کنشهای اظهاری است. دلیل استفاده میرزاده از این کنش گفتاری، علاقه فراوان وی به توصیف دنیای آرمانی و

رؤیایی خویش است، او در توصیفات خود، محیط آرمانی را ترسیم می‌کند و این تبیین و توصیف نیز بر عهده کنشهای گفتاری از نوع اظهاری است. افزون بر این، توصیف دنیای واقعی یا به نوعی واقع‌گرایی نیز با استفاده از فعلهای کنشهای اظهاری انجام می‌شود، طبیعتاً چون میرزاده عشقی، شاعری واقع‌گرا بوده و اغلب واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی دوران پسامشروطه را در اشعارش بازتاب داده‌است، از این نوع کنش اظهاری بسیار بهره برده‌است و بدون شک بسامد بالای آن نیز مرهون این رویکرد شعری وی است.

کنشهای عاطفی بعد از کنشهای اظهاری در سروده‌های میرزاده عشقی، بسامد بالایی دارد. دلیل این امر، به روحیه پرشور و انقلابی میرزاده باز می‌گردد، شاعر جوان که سرشار از عواطف و احساسات آزادیخواهانه در آن روزگار بود، خشم، عصبانیت و نفرت خود را از وضعیت سیاسی و اجتماعی روزگار خویش که با دنیای آرمانی وی فاصله داشت، در سروده‌هایش منعکس می‌کرد و گاهی نیز از به ثمر نشستن بعضی از آرزوهایش – اغلب مقطعی و کوتاه بود – ابراز شادمانی می‌کرد. بازتاب این حالات به واسطه کنشهای عاطفی شاعر بوده‌است. اشاره شد که میرزاده شاعر انقلابی بود، از این‌رو، خواهان دگرگونی در ساختار نهادهای سیاسی و اجتماعی بود به همین دلیل، مخاطب در سروده‌های وی اشعاری را مشاهده می‌کند که مخاطب را به تغییر و دگرگونی و انقلاب فرامی‌خواند، کنشهای ترغیبی عهده‌دار این رویکرد میرزاده عشقی هستند. کنش اعلامی در مقایسه با کنشهای اظهاری، ترغیبی و عاطفی بسیار کم به کار برده شده‌است. وی با به کارگیری این نوع کنش، شرایط تازه‌ای را برای تغییر و دگرگونی فرا روی مخاطب قرار می‌دهد. کنشهای تعهدی نیز با بسامد اندکی در شعر وی وجود دارد، او در محدود دفعاتی تعهد می‌دهد و خود را ملزم یا متضمن می‌کند که کاری را انجام بدهد، هر چند که هیچکدام از آن کارها را عملی نمی‌کند.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۳). فرهنگ توصیفی تحلیل‌گفتمان و کاربردشناسی. تهران: نشر علمی.
 آلام، کر. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی تئاتر و درام. ترجمه فرزان سجودی. تهران: قطره.
 احمد نحل، محمود (۲۰۰۲). آفاق‌الجديدة فی البحث اللغوی المعاصر، مصر: دار المعرفة الجامعة.

- باباجاهی، علی (۱۳۸۰). *این بانگ دلاویز: زندگی و شعر فریدون توللی*. تهران: نشر ثالث.
- بونژرو، گی پلانته (۱۳۹۰). *زیبایی‌شناسی بلینسکی و تأثیرپذیراز هگل، برگزیده و ترجمه محمدجعفر پویند، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، تهران: نقش جهان*.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا، اصطهباناتی، لیلا (۱۳۸۹). «تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه امام رضا (ع) بر اساس نظریه کنش گفتار»، *مجله فلسفه و کلام، سال ۴۲، شماره ۸۵، ص ۵۴-۳۷*.
- حسینی معصوم، سید محمد و رادمرد، عبدالهی (۱۳۹۴). تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنشهای گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم، *دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۶۵-۹۳*.
- دیچز، دیوید (۱۳۶۹). *شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلام‌حسین یوسفی، تهران: علمی*.
- زرقانی، سید مهدی و اخلاقی، الهام. (۱۳۹۱). «تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار». *دو فصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات عرفانی، شماره ۶، ۸۰-۶۱*.
- ساجکوف، بوریس (۱۳۶۲). *تاریخ رئالیسم: پژوهشی در ادبیات رئالیستی از رنسانس تا امروز، ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران: تندر*.
- سرل، جان. (۱۳۸۵). *افعال گفتاری، ترجمه علی عبداللهی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی*.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰). *مکتبهای ادبی، تهران: قطره*.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معناشناسی، چاپ ۳، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی*.
- عشقی. (۱۳۵۰). *کلیات مصور میرزاده عشقی، جمع آوری، علی اکبر مشیر سلیمی، تهران: امیرکبیر*.
- عابدی، کامیار (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر شعر فارسی در سده بیستم، تهران: جهان کتاب*.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). *بلاغت تصویر، تهران: سخن*.
- Searle, J. R. (۱۹۸۳). *Intentionality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J. R. (۱۹۹۹). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. New York and Melbourne: Cambridge University Press.
- Yule, G. (۱۹۹۶). *Pragmatics*. Oxford university press. New York.

